



The Role of Family Atmosphere, Mother-Daughter Relationship, Social Skills, and mothers' mental disorders in Predicting Child Abuse of High School Female Students

Nasibeh Karimi, M.A

Clinical Psychology, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Mohammad Soltanzadeh, Ph.D

Assistant Professor, Department of Psychology, Payam Noor University, Iran.

نقش جو خانواده، رابطه مادر - دختر، مهارت‌های اجتماعی و اختلالات روانی مادران در پیش‌بینی کودک‌آزاری دختران مقطع متوسطه اول

نصیبه کریمی

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد

اسلامی، نجف‌آباد، ایران

محمد سلطانی‌زاده*

استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، ایران

Abstract

The purpose of this study was to investigate the role of the family atmosphere, mother-daughter relationship, social skills, and mothers' mental disorders in predicting child abuse of high school female students. The research design was a correlational. The statistical population consisted of 55766 Isfahan high school female students and their mothers in the academic year of 2017-2018 using a multistage cluster sampling method, 250 were selected. The research tools consisted of Questionnaire of Family Emotional Condition (Hill Burn, 1964), the Parent-Child Relationship Scale (Fine, Moreland & Schwebel, 1983), the Teenage Inventory of Social Skills Questionnaire (Inderbitzen & Foster, 1992), the General Health Questionnaire (Goldberg & Hillier, 1979) and Child Abuse Questionnaire (Nourbakhsh, 2012). The data were analyzed using stepwise regression analysis, and the final step of regression analysis showed that mother-daughter relationship and mothers' mental disorders were 10.6% were able to predict child abuse at the level ($P < 0.01$). The results of this study indicate the importance of the mother's role in the prevention of child abuse of females. Therefore, researchers and planners in the field of psychosocial issues can provide a space to reduce this problem by formulating educational, preventive, and therapeutic programs.

Keywords: family atmosphere, mother-daughter relationship, social skills, mother's mental disorders, child abuse

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش جو خانواده، رابطه مادر دختر، مهارت‌های اجتماعی و اختلالات روانی مادران در پیش‌بینی کودک‌آزاری دختران دوره متوسطه اول انجام شد. طرح پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری ۵۵۷۶۶ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ به همراه مادرانشان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۲۵۰ نفر از آنها انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه جو خانوادگی (Hilburn, 1964)، مقیاس رابطه والد - فرزند (Fine et al., 1983)، پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی نوجوانان (Inderbitzen, Foster 1992)، پرسشنامه سلامت روانی (Goldberg, Hillier 1979) و پرسشنامه کودک‌آزاری (Noorbakhsh, 2012) بود. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون گام به گام تحلیل شدند و یافته‌های گام آخر تحلیل رگرسیون نشان داد که رابطه مادر - دختر و اختلالات روانی مادران، قادر به پیش‌بینی ۱۰/۶ درصد از واریانس نمرات کودک‌آزاری است ($P < 0/01$). نتایج این پژوهش نشان‌دهنده اهمیت نقش مادر در پیشگیری از کودک‌آزاری دختران دارد. بر همین اساس پژوهشگران و برنامه‌ریزان حوزه مسائل روانی-اجتماعی می‌توانند با تدوین برنامه‌های آموزشی، پیشگیرانه و درمانی، فضایی برای کاهش این معضل فراهم آورند.

واژگان کلیدی: جو خانواده، رابطه مادر - دختر، مهارت‌های اجتماعی، اختلالات روانی مادر، کودک‌آزاری

مقدمه

خانواده‌ها افراد فرصت بیشتری برای رسیدن به استقلال و مسئولیت‌پذیری خواهند داشت و فرزندان، سازگاری مناسب‌تری دارند (Zera'at Herfeh et al. 2018). روابط عاطفی ضعیف بین اعضای خانواده، عاملی تأثیرگذار بر کودک‌آزاری است (Straus, 2017). (Widom et al. 2015) و Stirling (2014) در پژوهش‌های خود به این موضوع اشاره نمودند که جو خانواده یا الگوی رفتاری والدین می‌تواند بر کودک‌آزاری تأثیرگذار باشد.

از طرفی به نظر می‌رسد که علاوه بر جو خانواده، رابطه مادر - دختر نیز بتواند در پیش‌بینی کودک‌آزاری دختران اثر داشته باشد. کودک نخستین ارتباط خود را با والدین و به‌خصوص مادر آغاز می‌کند. رابطه مادر و دختر به دلایل متعدد برای دختران از اهمیت زیادی برخوردار است (Onayli, 2010). رابطه والد (مادر) - دختر رابطه‌ای است که ایجاد امنیت و عشق در والدین و فرزندان را تقویت می‌کند و با احساس عشق، صمیمیت و امنیت به طور مستقیم ارتباط دارند (Carnes-Holt, 2012)، رابطه مادر - دختر، در واقع انعکاس‌دهنده وجود احساسات مثبت یا منفی بین مادر و دختر است، به همین دلیل روابط مادر و دختران در دوران نوجوانی، مسلماً یکی از مهم‌ترین نوع روابط والدین و فرزندان است (Lougheed, Hollenstein 2018) و می‌تواند بر پیش‌بینی کودک‌آزاری تأثیر گذارد و در واقع یکی از عوامل زمینه‌ساز کودک‌آزاری باشد (Villodas et al. 2018). نتایج تحقیق Lougheed, Hollenstein (2018) نشان داده است که رابطه فرزند - والد برای پیش‌بینی کودک‌آزاری مؤثر است. همچنین نتایج تحقیق Mikaeili et al. (2013) نشان داد متغیرهایی مثل اضطراب و افسردگی والدین و سبک‌های دل‌بستگی کودکان می‌تواند کودکان آزاردیده را از سایر کودکان متمایز سازد. نتایج پژوهش Bahmani, Safaei (2019) نیز نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی و سبک دل‌بستگی والدین در پیش‌بینی کودک‌آزاری سهم دارند.

در ارتباط با اختلالات روانی مادران طبق تعریف (Ginzburg (1988) (Quoted from Milanifar, 2013) سلامت روان عبارت است از تسلط و مهارت در ارتباط صحیح با محیط. به اعتقاد وی، فضای مهم زندگی، عشق،

کودکان از آسیب‌پذیرترین و حساس‌ترین اقشار جامعه‌اند و خطرات زیادی همواره آنها را تهدید می‌کند. یکی از این خطرات قرار گرفتن در معرض تعرض از طرف خانواده یا اعضای جامعه است. کودک‌آزاری موضوعی است که با افزایش اهمیت توجه به حقوق کودک در جوامع بشری، به صورت تخصصی مورد اهمیت و توجه قرار گرفته است.

کودک‌آزاری (Child abuse) پدیده‌ای است که آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر سلامت جسمی و روانی کودکان تحمیل می‌کند (Derakhshanpou et al. 2014). این در حالی است که با وجود این مهم، یکی از جرم‌های در حال رشد کودک‌آزاری است. کودک‌آزاری عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعلی که باعث آزار روانی و جسمی و ایجاد آثار ماندگار در وجود کودک می‌شود (Mikaeili, Zamanloo 2012). متأسفانه در چند سال اخیر افزایش قابل توجهی در آمارهای مربوط به کودک‌آزاری دیده می‌شود (Derakhshanpour et al. 2014). در سطح جهانی شواهد بسیاری در ارتباط با آمار زیاد کودک‌آزاری و پیامدهای آسیب‌زای کودک‌آزاری (روانی - جسمی) چه در سطح خانواده چه در سطح محیط و محل زندگی وجود دارد؛ بنابراین بر اساس آمارهای موجود هرساله هزاران کودک در سراسر جهان مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند (Sousa et al. 2018). در ایران طبق آمارها در سال ۱۳۹۵، ۲۷۶۵ مورد کودک‌آزاری گزارش شده است (Iranian Scientific Association of Psychiatrists, 2019).

یکی از مؤلفه‌های مهمی که می‌تواند در پیش‌بینی کودک‌آزاری نقش مؤثر داشته باشد، خانواده و جو عاطفی حاکم بر آن است (Garbarino, Plantz 2017). منظور از جو عاطفی خانواده، مجموع روابط و تعاملات عاطفی است که بین اعضای یک خانواده وجود دارد همانند بیان احساسات و علائق، نحوه ارتباط و طرز برخورد افراد با یکدیگر (Shakarami et al. 2017). به طور کلی روانشناسان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که خانواده مطلوب، خانواده‌ای است که امنیت عاطفی، احساس ارزشمندی، باور تعلق و مورد عشق و علاقه بودن را تأمین کند. در این

خودکشی و مرگ (Martin et al. 2016)، افسردگی، اختلال دوقطبی، اختلال استرس پس از سانحه و اختلالات جسمی همچون بیماری قلبی عروقی، دیابت، سندرم روده، آسم و سایر موارد می‌شود (Nemeroff, 2016). از آنجا که خانواده نیز متأثر از زندگی این افراد است به شدت تحت تأثیر این موضوع قرار می‌گیرد؛ اما پیامدهای کودک‌آزاری تنها متوجه کودک و خانواده وی نیست و همل جامعه را در برمی‌گیرد. در سطح جامعه، کودک‌آزاری سبب افزایش و بروز جرم، شرارت در دوره‌های بعدی زندگی این کودکان می‌شود (Finkelhor, et al. 2015)؛ از این رو به علت اینکه پدیده کودک‌آزاری برای کودکان، خانواده‌ها و اجتماع یک مشکل اساسی به حساب می‌آید، نیاز به بررسی و برنامه‌ریزی مناسب برای پیشگیری از آن و کمک به رفع یا کاهش آن به عنوان یکی از ضروریات رشد و پرورش نسلی سالم و به تبع آن جامعه‌ای سالم و توسعه‌یافته به شدت احساس می‌شود. بر همین اساس از نتایج این پژوهش سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش برای تدوین برنامه‌های آموزشی برای خانواده‌ها و همچنین مشاوران برای رفع مشکلات کودکان آزرده می‌توانند بهره بگیرند. همچنین با مرور تحقیقات پیشین مشخص شد، با اینکه شیوع بیش از حد پدیده کودک‌آزاری و تأثیرات مخرب آن در ابعاد روانی - خانوادگی و اجتماعی در مطالعات قبلی در نظر گرفته شده؛ اما تا به حال پژوهشی در ایران به نقش متغیرهای بیان‌شده در این پژوهش به عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده کودک‌آزاری نپرداخته است. بر همین اساس لزوم چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین در این پژوهش ۴ فرضیه مطرح بود: (۱) جو خانواده می‌تواند کودک‌آزاری را پیش‌بینی کند. (۲) رابطه مادر - دختر می‌تواند کودک‌آزاری را پیش‌بینی کند. (۳) مهارت‌های اجتماعی می‌تواند کودک‌آزاری را پیش‌بینی کند. (۴) اختلالات روانی مادران می‌تواند کودک‌آزاری را پیش‌بینی کند.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: طرح این پژوهش همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۷-

کار و تفریح، داشتن خانواده، ایجاد محیط خانوادگی خرسند، فرار از مسائلی که با قانون درگیری دارد، لذت بردن از زندگی و استفاده صحیح از فرصت ملاک تعادل و سلامت روان است. سلامت روان به نحوه تفکر، احساس و عمل اشخاص بستگی دارد به طوری که افرادی که از سلامت روان برخوردارند نسبت به زندگی و اجتماع نگرش مثبت‌تری دارند، در حالی که اختلالات روانی با یک الگوی فراگیر بین فردی شامل عدم احساسات عاطفی و همدلی مشخص می‌شود که یکی از مخرب‌ترین شخصیت‌هاست و همبستگی قوی با جنایت، بازجویی و تجاوز دارد (Gordts, 2017) و به نظر می‌رسد که سلامت روان یا اختلالات روانی مادر بتواند، زمینه‌ساز کودک‌آزاری فرزندان شود و تاکنون پژوهشگرانی همچون (Van Berkel et al. 2018) و (Afifi et al. 2018) بدین موضوع اشاره نموده‌اند.

متغیر اثرگذار دیگر بر کودک‌آزاری می‌تواند مهارت‌های اجتماعی باشد. مهارت‌های اجتماعی توانایی ارتباط و همکاری با دیگر افراد به طور شایسته و موفقیت‌آمیزی در شرایط اجتماعی متفاوت است (Meyer, 2016)، به عبارت دیگر مهارت‌های اجتماعی به درک و کاربرد روش‌هایی اشاره دارد که سبب تعامل اثربخش با دیگران و در واقع شامل مجموعه‌ای از مهارت‌های فردی می‌شود (Zeedyk, 2016)، مهارت اجتماعی عامل مهمی در شکل دادن روابط، بالا بردن کیفیت تعاملات اجتماعی و حتی سلامت روان افرادند. این مهارت‌ها می‌تواند به عنوان الگوی کامل رفتارهایی که توسط یک فرد در روابط بین فردی نشان داده می‌شود تعریف شود (Momayezi et al. 2011). نتایج پژوهش‌های (Milner 1993)، (Lopez, Heffer 1998)، (Gold 2013) و (Lind et al. 2018) نشان می‌دهد که کودک‌آزاری به شدت تحت تأثیر مهارت‌های اجتماعی آنان است.

کودک‌آزاری به عنوان پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی امروزه روند رو به رشدی را در ایران طی می‌کند که این نشان‌دهنده بحران در جامعه است. در سطح فردی، کودک‌آزاری شامل پیامدهای خطرناکی همچون اختلالات روانی (Afifi et al. 2014)، رفتارهای جنسی خطرناک (Thompson, et al. 2017)، مصرف مواد مخدر (Ogai et al. 2015)،

پرسشنامه حداقل امتیاز ممکن ۲۵ و حداکثر ۱۲۵ خواهد بود. نمرات بالا (بالتر از ۷۵) در این مقیاس نشان‌دهنده آزار بیشتر فرد در دوران کودکی و نمرات پایین (بین ۲۵ تا ۵۰) در این مقیاس نشانگر این است که فرد در دوران کودکی آزار کمتری دیده است. در پژوهش (Noorbakhsh 2012) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸ و برای خرده‌مقیاس‌های کودک‌آزاری جسمی، کودک‌آزاری جنسی، غفلت یا بی‌توجهی، سوء تغذیه و کودک‌آزاری عاطفی به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۲، ۰/۷، ۰/۸۲ و ۰/۷۷ گزارش شد. همچنین در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه برابر با ۰/۹۱ به دست آمد. نمونه سؤالات پرسشنامه عبارتند از: "والدینم همیشه در حضور من جوک‌های جنسی برای هم تعریف می‌نمودند. در دوران کودکی‌ام از طرف افراد خانواده‌ام مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌ام".

پرسشنامه جو عاطفی خانواده (Family Emotional Condition)

این پرسشنامه را (Hilburn 1964) برای ارزیابی میزان مهرورزی در تعاملات کودک - والدین ساخت. این پرسشنامه در کل ۱۶ گویه دارد که ۸ خرده‌مقیاس فرعی (محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد و احساس امنیت) را می‌سنجد. از ۱۶ سؤال موجود در پرسشنامه، ۸ سؤال به مادر و ۸ سؤال به پدر اختصاص داده شده است. در این پرسشنامه سؤال‌ها پنج گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) است و آزمودنی بر اساس احساس خود یکی از آنها را علامت می‌زند. نمره‌گذاری از ۱ تا ۵ درجه لیکرت صورت می‌گیرد، بدین‌گونه که به گزینه خیلی کم نمره ۱، کم ۲، متوسط ۳، زیاد ۴ و خیلی زیاد ۵ تعلق می‌گیرد. پرسشنامه سؤال معکوس ندارد و نمرات بالاتر از متوسط نشان‌دهنده وجود جو عاطفی مناسب بین اعضای خانواده و نمرات پایین‌تر از متوسط حاکی از جو عاطفی ضعیف در بین اعضای خانواده است. پرسشنامه جو عاطفی هیل برن از روایی و اعتبار بسیاری برخوردار است (مؤمنی، عباسی، پیرانی، بگیان کوله مرز، ۱۳۹۶). (Dinkelmann, Buff (2016). روایی سازه این آزمون را مورد تأیید قرار داده و پایایی حاصل از آلفای کرونباخ نیز ۰/۸۴ بوده است. همچنین در پژوهش

۱۳۹۶ (۵۵۶۷۷ نفر) به همراه مادرانشان بودند که برای تعیین حجم نمونه مورد نیاز در تحلیل رگرسیون بر اساس قاعده (Green (1991) (Quoted from Motamed, Zamani, 2017) عمل شد. بر اساس این قاعده حجم نمونه باید بزرگتر از تعداد متغیرهای پیش‌بین به علاوه عدد ثابت ۱۰۴ باشد. با توجه به اینکه حجم نمونه بزرگ‌تر اجازه می‌دهد که بخش‌های بحرانی t به سمت توزیع چندمتغیری نرمال نزدیک شود (Hooman, 2018)، برای شبیه شدن بیشتر نمونه به جامعه، افزایش توان آماری و کاهش خطای نمونه‌گیری، تعداد ۲۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و در این مطالعه شرکت کردند بدین‌گونه که از بین شش ناحیه آموزش و پرورش شهر اصفهان، نواحی یک، سه و چهار به طور تصادفی انتخاب و سپس از کل مدارس این نواحی، چهار مدرسه به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر مدرسه، دو کلاس به صورت تصادفی مشخص و همه دانش‌آموزان آن کلاس‌ها به عنوان گروه نمونه مورد ارزیابی قرار گرفتند. در این مطالعه، ملاک‌های ورود به نمونه عبارت بودند از: دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول، تمایل برای شرکت در پژوهش، دانش‌آموزانی که مادرانشان حاضر به همکاری بودند. همچنین ملاک‌های خروج عبارت بودند از: دانش‌آموزانی که تمایل به صحیح پر کردن پرسشنامه‌ها نداشتند، دانش‌آموزانی که مادرانشان حاضر به همکاری نبودند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه کودک‌آزاری: این پرسشنامه را Noorbakhsh (2012) برای اندازه‌گیری کودک‌آزاری طراحی کرده است. این پرسشنامه شامل ۲۵ گویه و پنج بعد کودک‌آزاری جسمی (گویه‌های ۱، ۵، ۹، ۱۳، ۱۷)، کودک‌آزاری جنسی (گویه‌های ۲، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸)، غفلت یا بی‌توجهی (گویه‌های ۳، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹)، سوء تغذیه (گویه‌های ۴، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۰) و کودک‌آزاری عاطفی (گویه‌های ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵) است. این پرسشنامه یک مقیاس خود گزارشی است که آزمون‌شوندگان میزان موافقت خود را با هر گویه بر روی یک طیف لیکرت پنج درجه از خیلی کم نمره ۱، کم ۲، متوسط ۳، زیاد ۴ و خیلی زیاد ۵ مشخص می‌کنند. در این

نسخه اصلی این سیاهه دارای ۴۰ عبارت است که یکی از عبارات به علت عدم انطباق با فرهنگ ایران حذف شد. عبارات این پرسشنامه در دو زمینه رفتارهای مثبت و منفی‌اند. گویه‌های ۱ تا ۲۰ مربوط به بعد رفتارهای اجتماعی مطلوب و گویه‌های ۲۱ تا ۳۹ مربوط به بعد رفتارهای غیراجتماعی است. در گزینه‌های منفی روش نمره‌گذاری برعکس است. در صورتی که فرد نمره بالاتر از میانگین (نمره ۹۸) کسب کند دارای مهارت اجتماعی بالا و در صورت پایین بودن نمره، دارای مهارت اجتماعی پایین است. Inderbitzen, Foster (1992) پایایی این مقیاس را برای بخش مثبت ۰/۹، برای بخش منفی ۰/۷۲ و ثبات درونی آن را ۰/۸۸ گزارش کردند. همچنین پایایی پرسشنامه مذکور در پژوهش Amini (2009) برای رفتارهای اجتماعی مطلوب ۰/۷۱ و برای رفتارهای غیراجتماعی ۰/۶۸ گزارش شد. در این پژوهش نیز پایایی ابعاد مثبت و منفی به ترتیب برابر با ۰/۸۱ و ۰/۷۲ به دست آمد. نمونه سؤالات پرسشنامه عبارتند از: "در هر کار گروهی نوبت هریک از اعضای گروه را رعایت می‌کنم. وقتی هم‌کلاسی‌هایم به خاطر اشتباه من سرزنش می‌شوند حقیقت را می‌گویم".

پرسشنامه سلامت روان (General Health Questionnaire): این پرسشنامه را Goldberg, Hillier (1979) با روش تحلیل عاملی ساخته است و یکی از شناخته‌شده‌ترین ابزارها در روان‌پزشکی است که برای شناسایی اختلالات روانی غیرسایکوتیک در شرایط گوناگون به کار می‌رود. پرسشنامه سلامت روان دارای ۲۸ سؤال و ۴ مقیاس است که مقیاس‌ها عبارتند از: ۱- علائم جسمانی (گویه‌های ۱ تا ۷)، ۲- علائم اضطرابی (گویه‌های ۸ تا ۱۴)، ۳- کارکرد اجتماعی گویه‌های (۱۵ تا ۲۱) و ۴- علائم افسردگی (گویه‌های ۲۲ تا ۲۸). این پرسشنامه چهارگزینه‌ای است و بر اساس طیف پاسخ‌ها از اصلاً (۰) تا خیلی بیش از حد معمول (۴) نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالاتر هم در خرده‌مقیاس‌ها و هم در نمره کلی، ضعف در سلامت روانی فرد را نشان می‌دهد. مطالعات انجام‌شده حاکی از روایی و پایایی بسیار این پرسشنامه است. Goldberg, Williams (1988) در تحلیل ۴۳ بررسی، حساسیت آن را ۰/۸۴ و

Jafariharandi, Rajaiemoosavi (2019) میزان پایایی کل این ابزار بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹ محاسبه شده است. پایایی پرسشنامه مذکور در پژوهش حاضر برابر با ۰/۹۲ به دست آمد. نمونه سؤالات پرسشنامه عبارتند از: "مادرم با محبت با من رفتار می‌کرد. پدرم به من اعتماد می‌کرد".

پرسشنامه رابطه مادر - دختر (Parent-Child Relationship Scale): این پرسشنامه توسط Fine et al. (1983) با هدف سنجیدن کیفیت روابط والد- فرزند ساخته شده است. پرسشنامه رابطه مادر - دختر یک پرسشنامه خود گزارشی است و از ۲۴ گویه تشکیل شده است. این مقیاس دو فرم دارد که یکی برای سنجش رابطه فرزند با مادر و دیگری برای سنجش رابطه فرزند با پدر است. در این پژوهش از نسخه رابطه با مادر استفاده شد. مؤلفه‌های نسخه مادر شامل عاطفه مثبت مادرانه، آزرده‌گی/ سردرگمی نقش، همانندسازی/ تعیین هویت و ارتباط یا گفت و شنود مادرانه است. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت از تقریباً هیچ (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۷) است. حداقل امتیازی که فرد در این پرسشنامه کسب می‌کند ۲۴ و حداکثر ۱۶۸ است. نمره بین ۲۴ تا ۴۸ نشان‌دهنده رابطه والد فرزند ضعیف، نمره بین ۴۸ تا ۹۶، رابطه والد فرزند متوسط و نمره بالاتر از ۹۶ کیفیت رابطه والد فرزند قوی است. در پژوهش Soltanizadeh et al. (2018) با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب پایایی رابطه دختر و مادر ۰/۸۸ محاسبه شده است. همچنین در مطالعه Morovati Sharif Abadi (2016) آلفای کرونباخ ۰/۹۲ بوده است. در این پژوهش پایایی کل پرسشنامه ۰/۹۱ و پایایی خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۵ به دست آمد. نمونه سؤالات پرسشنامه عبارتند از: "احساس می‌کنید تا چه حد توانسته‌اید رابطه پایداری را با مادر خود حفظ کنید؟ حس می‌کنید احساسات، افکار، رفتار مادران را به درستی می‌شناسید؟".

پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی نوجوانان (Teenage Inventory of Social Skills): این پرسشنامه را Inderbitzen, Foster (1992) ساخته است. پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی نوجوانان ۳۹ عبارت پنج گزینه‌ای دارد که پاسخ آزمودنی در هر عبارت در دامنه گزینه‌های اصلاً صدق نمی‌کند (۱) تا همیشه صدق می‌کند (۵) بیان می‌شود.

فرزندشان در پژوهش داشتند تکمیل کردند. سپس پرسشنامه سلامت روان به مادران تحویل داده شد تا پس از تکمیل آن را به پژوهشگر یا معلم کلاس تحویل دهند. همچنین با هماهنگی معلمان برای ورود به کلاس‌ها در چندین روز متوالی پرسشنامه‌های جو خانوادگی، رابطه والد-فرزند، مهارت‌های اجتماعی نوجوانان و کودک‌آزاری بین دانش‌آموزان هر کلاس به صورت جداگانه توزیع و از آنها خواسته شد با دقت به سؤال‌ها پاسخ دهند و سؤالی را بدون پاسخ نگذارند. پس از اتمام، پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و برای نتیجه‌گیری با استفاده از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام با نرم‌افزار SPSS-23 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

یافته‌ها

تمام افراد شرکت‌کننده در این پژوهش دختر بودند و میانگین سنی آنها ۱۴/۱۲ سال بود. جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را در کل نمونه نشان می‌دهد.

ویژگی آن را ۰/۸۲ گزارش نمودند. همچنین پایایی پرسشنامه مذکور در پژوهش (Nazifi et al. (2014) ۰/۷۴ گزارش شد و در تحقیق حاضر نیز پایایی کل مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ و خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۵۹ تا ۰/۸۶ به دست آمد. نمونه سؤالات پرسشنامه عبارتند از: "احساس کرده‌اید که حالتان بسیار خوب است و از سلامت خوبی برخوردارید؟ بارها فکر کرده‌اید که به علت ناراحتی عصبی هیچ کاری را نمی‌توانید انجام دهید؟".

روش اجرا

برای جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش، پس از اخذ مجوز از اداره آموزش و پرورش شهر اصفهان، به مدارس منتخب مراجعه شد. ابتدا با هماهنگی مدیریت مدارس، در جلساتی که طی ارسال دعوت‌نامه از مادران دانش‌آموزان گروه نمونه دعوت به عمل آمده بود، درباره هدف پژوهش، نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها و محرمانه ماندن اطلاعات، توضیحات لازم ارائه شد و فرم رضایت‌نامه را مادرانی که تمایل به شرکت خود و

جدول ۱. آماره توصیفی متغیرهای پژوهش (N=250)

متغیر	میانگین	انحراف معیار
کودک‌آزاری	۳۲/۴۱۱	۱۱/۰۷۹
کودک‌آزاری جسمی	۵/۸۹۷	۱/۹۴۹
کودک‌آزاری جنسی	۵/۱۰۰	۰/۵۴۷
غفلت یا بی‌توجهی	۶/۶۲۰	۲/۷۸۵
سوء تغذیه	۶/۸۰۱	۳/۲۰۲
کودک‌آزاری عاطفی	۷/۹۹۱	۴/۳۰۷
جو عاطفی خانواده	۶۵/۲۹۴	۱۴/۲۶۳
محبت	۸/۴۵۵	۱/۹۴۸
نوازش	۷/۹۳۳	۲/۲۹۸
تأیید کردن	۷/۹۹۱	۲/۱۲۰
تجربه‌های مشترک	۶/۹۷۰	۲/۵۳۶
هدیه دادن	۸/۱۷۸	۲/۳۲۲
تشویق کردن	۸/۳۶۶	۲/۱۶۶
اعتماد	۸/۵۴۱	۱/۸۸۳
احساس امنیت	۸/۸۵۷	۱/۹۶۲

متغیر	میانگین	انحراف معیار
رابطهٔ مادر - دختر	۱۲۳/۸۹۰	۲۴/۴۷۲
عاطفهٔ مثبت	۷۱/۲۰۴	۱۳/۰۱۹
آزردگی / سردرگمی نقش	۱۱/۰۶۴	۳/۱۶۶
هماندسازی	۹/۸۲۶	۳/۴۲۳
ارتباط یا گفت‌وشنود	۳۱/۷۹۴	۸/۷۳۰
مهارت اجتماعی	۱۷۳/۵۵۷	۱۴/۶۰۱
رفتارهای اجتماعی مطلوب	۹۱/۹۲۷	۸/۷۴۱
رفتارهای غیراجتماعی	۷۱/۲۹۱	۸/۳۵۵
اختلالات روانی مادران	۴۶/۸۰۳	۱۰/۴۸۴
علائم جسمانی	۱۲/۷۳۷	۴/۱۵۰
علائم اضطرابی	۱۲/۲۱۷	۴/۳۸۱
کارکرد اجتماعی	۱۳/۴۲۰	۳/۱۰۸
علائم افسردگی	۹/۳۵۹	۳/۰۳۵

برای بررسی رابطهٔ جو خانواده، ارتباط مادر - دختر، از روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن مهارت‌های اجتماعی، اختلالات روانی مادران و کودک‌آزاری در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی مؤلفه‌های جو خانواده، رابطهٔ مادر - دختر، مهارت‌های اجتماعی، اختلالات روانی مادران با کودک‌آزاری

متغیرها	کودک‌آزاری	
	ضریب همبستگی	ضریب تعیین
جو عاطفی خانواده	-۰/۱۸۱	۰/۰۳۲
محبت	-۰/۱۴۷	۰/۰۲۱
نوازش	-۰/۰۹۹	۰/۰۰۹
تأیید کردن	-۰/۱۵۵	۰/۰۲۴
تجربه‌های مشترک	-۰/۱۲۶	۰/۰۱۵
هدیه دادن	-۰/۱۴۲	۰/۰۲۰
تشویق کردن	-۰/۱۸۰	۰/۰۳۲
اعتماد	-۰/۱۷۵	۰/۰۳۰
احساس امنیت	-۰/۱۸۷	۰/۰۳۴
ارتباط مادر - دختر	-۰/۲۹۹	۰/۰۸۹
عاطفهٔ مثبت	-۰/۲۸۶	۰/۰۸۱
آزردگی / سردرگمی نقش	-۰/۱۰۹	۰/۰۱۱
هماندسازی	-۰/۲۱۱	۰/۰۴۴

ارتباط یا گفت‌وشنود	-۰/۲۸۹	۰/۰۸۳	۰/۰۰۰
مهارت‌های اجتماعی	-۰/۱۷۵	۰/۰۳۰	۰/۰۰۶
رفتارهای اجتماعی مطلوب	-۰/۳۳۱	۰/۱۰۹	۰/۰۰۰
رفتارهای غیراجتماعی	۰/۲۷۰	۰/۰۷۲	۰/۰۰۰
اختلالات روانی مادران	۰/۱۷۱	۰/۰۲۹	۰/۰۰۷
علائم جسمانی	۰/۰۴۶	۰/۰۰۲	۰/۴۷۳
علائم اضطرابی	۰/۱۸۰	۰/۰۳۲	۰/۰۰۴
کارکرد اجتماعی	۰/۰۶۱	۰/۰۰۴	۰/۳۳۷
علائم افسردگی	۰/۲۵۴	۰/۰۶۴	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد بین جو عاطفی خانواده (نمره کل)، محبت، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد و احساس امنیت با کودک‌آزاری رابطه منفی معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$). بین رابطه مادر- دختر (نمره کل)، عاطفه مثبت، همانندسازی و ارتباط یا گفت‌وشنود با کودک‌آزاری رابطه منفی معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$). همچنین بین مهارت‌های اجتماعی (نمره کل) و رفتارهای اجتماعی مطلوب با کودک‌آزاری رابطه منفی معنادار و بین رفتارهای غیراجتماعی و کودک‌آزاری رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$); و در نهایت بین اختلالات روانی مادران (نمره کل)، علائم اضطرابی و علائم افسردگی با کودک‌آزاری رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$).

برای پیش‌بینی کودک‌آزاری (متغیر ملاک) با استفاده از متغیرهای پیش‌بین (جو عاطفی خانواده، رابطه مادر- دختر، مهارت‌های اجتماعی و اختلالات روانی مادران) از روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج مربوط به این آزمون، در جدول ۳ ارائه شده است.

نتایج جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی کودک‌آزاری از طریق جو خانواده، رابطه مادر- دختر، مهارت‌های اجتماعی و اختلالات روانی

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی کودک‌آزاری از طریق جو خانواده، رابطه مادر- دختر، مهارت‌های اجتماعی و اختلالات روانی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	F	ضرایب بتا	t	sig
کودک‌آزاری	رابطه مادر-دختر	۰/۳۲۶	۰/۱۰۶	۴/۵۷۴	-۰/۲۸	-۴/۶۰۳	۰/۰۰۰
	اختلالات روانی مادران				۰/۱۳	۲/۱۳۹	۰/۰۳۳

نتایج گام آخر تحلیل رگرسیون گام به گام در جدول ۳، نشان می‌دهد که از بین ۴ متغیر وارد شده (رابطه مادر و دختر، اختلالات روانی مادران، جو خانواده و مهارت‌های اجتماعی) در معادله رگرسیون همزمان، متغیر رابطه مادر - دختر با ضریب استاندارد بتا ۰/۲۸- و متغیر اختلالات روانی مادران با ضریب استاندارد بتا ۰/۱۳ دارای توان پیش‌بینی معناداری برای کودک‌آزاری بوده است ($p < ۰/۰۱$); بنابراین فرضیه‌های دوم و چهارم پژوهش در ارتباط با دو متغیر رابطه مادر و دختر و اختلالات روانی مادران تأیید شد و فرضیه‌های اول و سوم در ارتباط با متغیرهای جو عاطفی خانواده و مهارت‌های اجتماعی تأیید نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

کودک‌آزاری عبارت است از آسیب یا تهدید جسم، روان، سعادت، رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئولند. در اصطلاح متخصصان، هرگونه آسیب جسمی، روانی، سوء استفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای انسانی افراد زیر ۱۸ سال توسط

نتایج گام آخر تحلیل رگرسیون گام به گام در جدول ۳، نشان می‌دهد که از بین ۴ متغیر وارد شده (رابطه مادر و دختر، اختلالات روانی مادران، جو خانواده و مهارت‌های اجتماعی) در معادله رگرسیون همزمان، متغیر رابطه مادر - دختر با ضریب استاندارد بتا ۰/۲۸- و متغیر اختلالات روانی مادران با ضریب استاندارد بتا ۰/۱۳ دارای توان پیش‌بینی معناداری برای کودک‌آزاری بوده است ($p < ۰/۰۱$); بنابراین فرضیه‌های دوم و چهارم پژوهش در ارتباط با دو متغیر رابطه مادر و دختر و اختلالات روانی مادران تأیید شد و فرضیه‌های اول و سوم در ارتباط با متغیرهای جو عاطفی خانواده و مهارت‌های اجتماعی تأیید نشد.

عرضه زندگی اجتماعی می‌گذارند و بدیهی است که این افراد در برخورد با شرایط ناامن و فضای تهدیدآمیز قدرت عمل و تصمیم‌گیری مناسب‌تری دارند و کمتر در معرض حمله و آزار جنسی قرار می‌گیرند. جو عاطفی مناسب در خانواده موجب می‌شود والدین به شکل بهتری بتوانند درباره آموزش مسائل جنسی و پیشگیری از سوء استفاده جنسی با کودکان خود صحبت کنند؛ بنابراین کودکان در چنین جوی، آموزش‌های مناسب را دریافت می‌کنند و کمتر در معرض خطر سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند. در تبیین عدم پیش‌بینی کودک‌آزاری توسط جو خانواده، می‌توان این‌گونه بیان کرد که احتمالاً جو خانواده خود متأثر از رابطه مادر-دختر است و با توجه به پیش‌بینی معنادار کودک‌آزاری توسط رابطه مادر-دختر، جو خانواده در کنار این متغیر توانایی پیش‌بینی کودک‌آزاری را در دختران از دست می‌دهد.

یافته‌های فرضیه دوم نشان داد علاوه بر اینکه بین رابطه مادر - دختر (نمره کل)، عاطفه مثبت، همانندسازی و ارتباط یا گفت‌و شنود با کودک‌آزاری رابطه منفی معناداری وجود دارد ($P < 0.05$)؛ این مؤلفه، کودک‌آزاری را به طور معناداری پیش‌بینی می‌کند. نتیجه فرضیه دوم با پژوهش‌های Safaei Bahmani, Loughheed, Hollenstein (2018), Shirali Nia et al. (2014), Joudaki (2017), (2019), Sternberg et al. (2006) و Mikaeili et al. (2013) همسوست. نتایج این پژوهش‌ها نشان داده‌اند ارتباط ضعیف والد - فرزندی، به عنوان عامل خطر ساز برای کودک‌آزاری است. در تبیین این یافته می‌توان گفت همواره ایجاد ارتباط صحیح بین مادر و فرزند عامل مهمی در سلامت ذهنی و همچنین اعتماد به نفس فرزند بوده است و این موضوع به‌ویژه درباره دختران صدق می‌کند. کودکان به علت ویژگی‌هایی که از نظر سنی دارند، بسیار آسیب‌پذیرند و نیاز به حمایت و مراقبت دارند؛ اما گاهی بزرگسالان به دلایل مختلف به جای حمایت و مواظبت از کودکان، آنان را مورد آزار قرار می‌دهند. کودکانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند از شکایت کردن و بیان آن، می‌ترسند. آنها از این می‌ترسند که مورد سرزنش قرار بگیرند و یا اینکه بزرگ‌ترها، حرف‌هایشان را باور نکنند. روابط صمیمانه و حمایت‌کننده

افراد دیگر، کودک‌آزاری تلقی می‌شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش جو خانواده، رابطه مادر - دختر، مهارت‌های اجتماعی و اختلالات روانی مادران در پیش‌بینی کودک‌آزاری دختران مقطع متوسطه اول بود.

یافته‌های پژوهش برای فرضیه اول پژوهش نشان داد بین جو خانواده (نمره کل)، محبت، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد و احساس امنیت با کودک‌آزاری رابطه منفی معناداری وجود دارد ($p < 0.05$)؛ اما جو خانواده قادر به پیش‌بینی کودک‌آزاری نیست. به عبارت دیگر، با افزایش جو عاطفی در خانواده میزان کودک‌آزاری کاهش می‌یابد؛ اما این متغیر قادر به پیش‌بینی کودک‌آزاری نیست. این یافته با پژوهش‌های Shamaeizadeh, N., Garbarino, J., & Sharifi et al. (2017), Yousefi (2018), Sayyari et al. (2001) و Hall et al. (1998), Plantz (2017) همسو بود. پژوهش‌های مذکور نشان دادند که ارتباطات خانوادگی و جو عاطفی خانواده با کودک‌آزاری رابطه منفی معناداری دارند.

در تبیین این یافته می‌توان عنوان کرد خانواده، اصلی‌ترین هسته جامعه و کانون حفظ سلامت و بهداشت روان است. یکی از ویژگی‌های خانواده سالم و قوی وجود جو عاطفی و ارتباط مؤثر بین اعضای خانواده است. نظریه نظام‌های خانواده بیان می‌کند که کنش هر عضو خانواده، نمی‌تواند در خلأ درک گردد؛ بلکه باید در زمینه خانواده بررسی شود. اگر جو عاطفی خانواده نامساعد یا نامطلوب باشد، منجر به بروز مشکلات فراوانی برای فرزندان خواهد شد. روابط نامطلوب بین والدین و فرزندان که با نشانه‌هایی مانند سوء استفاده جسمی، عدم درک متقابل، تعارضات بین فردی و طرد و نادیده گرفته شدن فرزندان مشخص می‌شوند؛ به علت ایجاد سردی بین اعضای خانواده و دور شدن افراد خانواده از یکدیگر می‌تواند باعث شود کودکان بیشتر در معرض خطر خشونت، بدرفتاری و آزار جنسی قرار گیرند. برعکس در خانواده‌هایی که والدین با هم رفتارهای محبت‌آمیز دارند، با فرزندان گرم و دوستانه رفتار می‌کنند و به نیازهای آنها مانند نیاز به امنیت، محبت، تشویق شدن و غیره در حد معقول رسیدگی می‌کنند، فرزندان با غرور و اعتماد به نفس پا به

جنسی ناسالم، فرار از مدرسه، فرار از خانه یا سایر رفتارهای بزهکارانه پیدا می‌کنند که برای سلامت جسمی و روانی آنان بسیار زیانبار است. یکی از مشکلاتی که گریبان‌گیر این نوجوانان می‌شود، نداشتن صراحت در بیان و قاطعیت در رفتار در مقابل بسیاری از خطرانی است که آنها را تهدید می‌کند. بسیاری از کودکان آزار دیده کودکانی ضعیف، در برخی موارد بسیار گوشه‌گیر و یا با روابط اجتماعی بسیار محدود بوده‌اند. هرچه میزان مهارت اجتماعی مناسب نوجوانان از قبیل داشتن ارتباط دیداری با دیگران، مؤدب بودن، اشتیاق به تعامل با دیگران به طریقی مفید و مؤثر، افزایش یابد، از میزان مورد آزار قرار گرفتن آنان کاسته می‌شود. داشتن مهارت‌های اجتماعی مثبت و تقویت آن در کودکان می‌تواند عاملی بازدارنده از کودک‌آزاری کودک و نوجوان از جانب دیگران باشد. کودکان دارای کارکرد اجتماعی بالا (از جمله مهارت اجتماعی) مشکلات رفتاری کمتری داشته و از سوی دیگر در معرض آزار کمتری قرار می‌گیرند. گرچه مهارت‌های اجتماعی با کودک‌آزاری رابطه معناداری دارد؛ اما این متغیر نتوانست پیش‌بینی‌کننده کودک‌آزاری باشد. به نظر می‌رسد داشتن مهارت‌های اجتماعی به صورت انجام رفتارهای اجتماعی مطلوب و یا انجام ندادن رفتارهای نامطلوب اجتماعی (که توسط پرسشنامه ارزیابی می‌شود) برای پیشگیری از کودک‌آزاری کافی نیست. به نظر می‌رسد نه تنها مهارت‌های اجتماعی لازم است، بلکه در کنار این مهارت کودک باید با موقعیت‌های به وجود آورنده کودک‌آزاری آشنا باشد، نحوه عمل در شرایط بحرانی و پراسترس را فراگرفته باشد و چگونگی استفاده از این مهارت‌ها را به صورت عملی در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده با کودک‌آزاری تمرین کرده باشد؛ بنابراین، با توجه به اینکه قرار گرفتن در معرض آزار و اذیت دیگران از جمله شرایط معمول زندگی نیست، کودک باید کاربرد مهارت‌های اجتماعی را در این موقعیت‌ها آموزش دیده و تمرین کرده باشد. به همین دلیل مهارت‌های اجتماعی پیش‌بینی‌کننده کودک‌آزاری در این پژوهش نبود.

همچنین برای فرضیه چهارم نتایج نشان داد بین اختلالات روانی مادران (نمره کل)، علائم اضطرابی و علائم

مادر - دختر می‌تواند منجر به ایجاد حس امنیت برای دختر و عدم پنهان‌کاری از جانب او باشد. عاطفه مثبت موجب توجه بیشتر مادر نسبت به فرزندش می‌شود که به سبب آن از میزان غفلت مادر کاسته می‌شود؛ زیرا غفلت خود نوعی از کودک‌آزاری محسوب می‌شود. از آنجا که مادر الگوی بی‌بدیل دختر محسوب می‌شود، چنان‌چه به شایستگی ایفای نقش ننماید، نتایج زیانباری را در مورد شکل‌گیری شخصیت دختر به بار می‌آورد و او را در معرض خطرات احتمالی قرار می‌دهد که در این زمینه همانندسازی نقش پررنگی ایفا می‌کند و همچنین گفت‌و شنود بین مادر و دختر، باعث برطرف شدن سوء تفاهات می‌شود و عقیده مادر و دختر را به هم نزدیک می‌کند که داشتن عقاید مشترک و نزدیک به هم باعث افزایش سلامت روان شده و نهایتاً موارد ذکر شده می‌تواند از ایجاد رفتارهای کودک‌آزاری پیشگیری کنند.

از سوی دیگر نتایج فرضیه سوم نشان داد اگرچه بین مهارت‌های اجتماعی (نمره کل) و رفتارهای اجتماعی مطلوب با کودک‌آزاری رابطه منفی معنادار و بین رفتارهای غیراجتماعی و کودک‌آزاری رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($p < 0.05$)؛ اما طبق جدول ۳ این متغیر قادر به پیش‌بینی کودک‌آزاری نبود. به عبارت دیگر با رشد مؤثر و مفید مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای اجتماعی مطلوب، پیش‌بینی کودک‌آزاری کاهش و با افزایش رفتارهای غیراجتماعی پیش‌بینی کودک‌آزاری افزایش می‌یابد؛ اما فرآیند پیش‌بینی ممکن نیست. در زمینه ارتباط دو متغیر مذکور پژوهش‌های کمی صورت گرفته است. با بررسی‌های انجام شده می‌توان عنوان کرد که این یافته با پژوهش‌های Momayezi et al. (2011) و Mavroveli et al. (2007) همسوست. Momayezi et al. (2011) در پژوهش خود نشان دادند کودکان دارای کارکرد بالا (از جمله مهارت اجتماعی) مشکلات رفتاری کمتری داشته و از سوی دیگر در معرض آزار کمتری قرار می‌گیرند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که نوجوانان به دلیل تجربه اندک و مهارت‌های اجتماعی کم، آمادگی بیشتری برای پرداختن به رفتارهای ضداجتماعی دارند. در دوره نوجوانی بعضی از نوجوانان گرایش به رفتارهای پرخطر مانند کشیدن سیگار، مصرف مواد و الکل، داشتن روابط

نتایج این پژوهش اهمیت نقش مادر را در پیشگیری از کودک‌آزاری دختران شناسایی کرد؛ بنابراین توصیه می‌گردد دست‌اندرکاران آموزش و پرورش تصمیماتی برای آگاه‌سازی خانواده‌ها در این زمینه اتخاذ کنند. همچنین نتایج این پژوهش این امکان را دارد که مبنای پژوهش‌های کاربردی به صورت بسته‌های آموزشی و درمانی قرار گیرد. در مورد محدودیت‌های پژوهش می‌توان به کمبود تحقیقات مقایسه‌ای براساس جنسیت در زمینه‌های مورد مطالعه اشاره نمود؛ بنابراین ضرورت دارد پژوهش‌های مشابهی در جامعه‌های آماری مختلف و پایه‌های تحصیلی متفاوت اجرا شود تا اعتبار بیرونی نتایج افزایش یابد. بدیهی است که این پژوهش مقطعی بوده است و نتایج حاصل‌شده، تنها نمایانگر معنادار بودن آن در بین گروه‌های تحت بررسی است. اثبات علت و معلولی نیازمند انجام دادن مطالعات طولی و کنترل‌های بیشتر است.

منابع

- Affifi, T. O., MacMillan, H. L., Boyle, M., Taillieu, T., Cheung, K., & Sareen, J. (2014). Child abuse and mental disorders in Canada. *Cmaj*, 186(9), E324-E332.
- Affifi, T. O., McTavish, J., Turner, S., MacMillan, H. L., & Wathen, C. N. (2018). The relationship between child protection contacts and mental health outcomes among Canadian adults with a child abuse history. *Child abuse & neglect*, 79, 22-30.
- Akbarpoor Zanghalani, M. B., Khodayari Shouti S., & Malekzadeh A. (2016). The relationship between mental health and achievement motivation among the students of tabriz university of medical sciences. *DSME*, 3 (2), 14-24. [Persian]
- Amini, A. (2009). Validation of Teenage Inventory of Social Skills (TISS). Master thesis. Islamic Azad University of Tehran. [Persian]
- Bahmani, T., & Safaei, S. (2019). Survey of personality traits and parenting attachment styles on the prevalence of child abuse among high school students in Mashhad. *The First National Conference on Globalization of Children and Adolescents' Rights from a Legal and*

افسردگی با کودک‌آزاری رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). به‌علاوه اینکه این مؤلفه کودک‌آزاری را به‌طور معناداری پیش‌بینی می‌کند. این یافته با پژوهش‌های Kavian (2019) و Lougheed, Hollenstein (2018) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت سلامت روان به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های یک زندگی سالم در پی آن است که احساسات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و ناامیدی کم‌رنگ گشته و از بروز نشانه‌های مرضی در افراد پیشگیری به عمل آید (Akbarpoor Zanghalani, 2016). هنگامی که یکی از اعضای خانواده دچار اختلال روانی می‌گردد، همه اعضای خانواده، به گونه‌ای درگیر بیماری‌ها و پیامدهای آن می‌شوند. اختلالات روانی نه تنها سبب ناکارآمدی خود افراد می‌شود، بلکه خانواده آنها را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده و عملکرد آنها را مختل می‌سازد. از آنجا که مادر اولین شخصی است که به طور مستقیم با کودک ارتباط برقرار می‌کند و پیوندی قوی بین سلامت روانی مادر با فرزندپروری وجود دارد، اگر دچار اختلالات روانی مثل افسردگی و اضطراب باشد قادر به پاسخگویی نیازهای فرزندش نیست و در تربیت فرزندان خود بیشتر بر عواطف و هیجانات خود متکی است و از اصول صحیح تربیتی تبعیت نمی‌کند؛ بنابراین، اختلالات روانی مادر با تداخل در کارکردهای مهم زندگی از جمله ارتباط مناسب با فرزندان، موجب می‌شود مادر نتواند وظایف تربیتی خود را به درستی انجام داده و در نتیجه کودک در معرض آسیب قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، اختلالات روانی مادر موجب می‌شود آنها توجهی به نیازهای کودکان و نظارتی هم بر رفتارهای آنها نداشته باشند. به همین سبب بیشتر در معرض سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند. همچنین، اختلالات روانی مادر موجب بیگانگی کودکان از مادران آنها و متعاقباً کناره‌گیری و جدایی کودک از مادر می‌شود. فرزندان مادرانی که دچار اختلالات روانی‌اند شایستگی اجتماعی کمتری دارند، بیشتر مورد ناملایمات قرار می‌گیرد، دچار سرخورده‌گی و عدم حس اعتماد هم به خود و هم نسبت به دیگرانند و مشکلات رفتاری بیشتری نسبت به سایر کودکان دارند و در آینده بیشتر درگیر خطرات احتمالی مانند کودک‌آزاری می‌شوند.

- Psychological Perspective*, Mashhad, Hakim Nezami Institute of Higher Education, Quchan. [Persian]
- Carnes-Holt, K. (2012). Child-parent relationship therapy for adoptive families. *The Family Journal*, 20(4), 419-426.
- Derakhshanpour, F., Hajebi, A., & Panaghi, L. (2014). Risk factors of child abuse: A study in psychosocial support unit for child and family in pediatric hospital of Bandar Abbas city. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 16(61), 42-50. [Persian]
- Dinkelmann, I., & Buff, A. (2016). Children's and parents' perceptions of parental support and their effects on children's achievement motivation and achievement in mathematics. A longitudinal predictive mediation model. *Learning and Individual Differences*, 50, 122-132.
- Fine, M. A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. (1983). Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Developmental Psychology*, 19(5), 703.
- Finkelhor, D., Turner, H. A., Shattuck, A., & Hamby, S. L. (2015). Prevalence of childhood exposure to violence, crime, and abuse: Results from the national survey of children's exposure to violence. *JAMA pediatrics*, 169(8), 746-754.
- Garbarino, J., & Plantz, M. C. (2017). Child abuse and juvenile delinquency: What are the links? In *Troubled youth, troubled families* (pp. 27-40). Routledge.
- Gold, S. (2013). *Not trauma alone: Therapy for child abuse survivors in family and social context*. Routledge.
- Goldberg, D. P., & Hillier, V. F. (1979). A scaled version of the General Health Questionnaire. *Psychological medicine*, 9(1), 139-145.
- Goldberg, D., & Williams, P. (1988). *A user's guide to the General Health Questionnaire (GHQ)*. London: NFER Nelson.
- Gordts, S., Uzieblo, K., Neumann, C., Van den Bussche, E., & Rossi, G. (2017). Validity of the Self-Report Psychopathy Scales (SRP-III full and short versions) in a community sample. *Assessment*, 24(3), 308-325.
- Hall, L. A., Sachs, B., & Rayens, M. K. (1998). Mothers' potential for child abuse: The roles of childhood abuse and social resources. *Nursing research*, 47(2), 87-95.
- Hilburn, J. M. (1964). Effect of adolescence on the serum growth hormone response to hypoglycemia. *J Pediatr*, 77(3), 465-467
- Hooman, H. A. (2018). *Structural Equation Modeling with LISREL Application*. Tehran: Samt Publication. [Persian]
- Inderbitzen, H. M., & Foster, S. L. (1992). The teenage inventory of social skills: Development, reliability, and validity. *Psychological Assessment*, 4(4), 451.
- Iranian Scientific Association of Psychiatrists. (2019). Available on the Web: <http://irpsychiatry.ir>
- Jafariharandi, R., & Rajaiemoosavi, S. F. (2019). Predicting Emotional Maturity through Family emotional atmosphere and the level of religiosity parents in second-grade female students. *Journal of Educational Psychology Studies*, 16(34), 1-26. [Persian]
- Joudaki, M. (2017). Evaluation of the effectiveness of positive parenting program on child abuse of mothers of primary school girls. *Fourth International Conference on Science and Engineering*, Italy-Rome, Institute of Idea Managers in the capital Vieira. [Persian]
- Kavian, M. (2019). Investigating the Relationship between Child Abuse and Personality Traits in Cared Parents in DIC Centers of Mashhad, *The First National Conference on Globalization of Children and Adolescents' Rights from a Legal and Psychological Perspective*, Mashhad, Hakim Nezami Quchan Higher Education Institute. [Persian]
- Lind, M. J., Brown, R. C., Sheerin, C. M., York, T. P., Myers, J. M., Kendler, K. S., & Amstadter, A. B. (2018). Does parenting influence the enduring impact of severe childhood sexual abuse on psychiatric resilience in adulthood? *Child Psychiatry & Human Development*, 49(1), 33-41.
- Lopez, M. A., & Heffer, R. W. (1998). Self-concept and social competence of university student victims of childhood physical abuse. *Child abuse & neglect*, 22(3), 183-195.
- Lougheed, J. P., & Hollenstein, T. (2018). Arousal transmission and attenuation in mother-daughter

- dyads during adolescence. *Social Development*, 27(1), 19-33.
- Martin, M. S., Dykxhoorn, J., Afifi, T. O., & Colman, I. (2016). Child abuse and the prevalence of suicide attempts among those reporting suicide ideation. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, 51(11), 1477-1484.
- Mavroveli, S., Petrides, K. V., Rieffe, C., & Bakker, F. (2007). Trait emotional intelligence, psychological well-being and peer-rated social competence in adolescence. *British journal of developmental psychology*, 25(2), 263-275.
- Meyer, B., Schermuly, C. C., & Kauffeld, S. (2016). That's not my place: The interacting effects of faultlines, subgroup size, and social competence on social loafing behaviour in work groups. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 25(1), 31-49.
- Mikaeili, N., & Zamanloo, K. (2012). A study of the prevalence of child abuse and its prediction from parents' depression and anxiety, attachment styles and mental health of their adolescent boys. *Psychology of Exceptional Individuals*, 2(5), 145-166. [Persian]
- Mikaeili, N., Barahmand, U., & Abdi, R. (2013). The prevalence of different kinds of child abuse and the characteristics that differentiate abused from nonabused male adolescents. *Journal of interpersonal violence*, 28(5), 975-996.
- Milanifar, B. (2013). *Mental Health*. Tehran: Ghoomes Publication. [Persian]
- Milner, J. S. (1993). Social information processing and physical child abuse. *Clinical psychology review*, 13(3), 275-294.
- Momayezi, F., Eydi, Z., Eghlima, M., & Raheb, Gh. (2011). Social skills: Its role in preventing adolescent abuse. *Tolooe Behdasht*, 10 (1), 96-108. [Persian]
- Momeni, K., Abbasi, M., Pirani, Z., Beyghiyan, M. (2017). The Role of emotionality and affective atmosphere of family in prediction of Students' Educational Engagement. *Biquarterly Journal of Cognitive Strategies in Learning*, 5(8), 159-182. [Persian]
- Morovati Sharif Abadi, M. A., Najafi, S., Faghihzadeh, S., & Dastgerdi, Gh. (2016). Survey of knowledge, attitude and performance of mothers' seventh grade and third grade of middle school of female students in Zanjan about psychological changes during puberty and its relationship with relationships between adolescents and mothers. *Tolooe Behdasht*, 15 (5), 69-80. [Persian]
- Motamed, N., Zamani, F. (2017). *Sample size in applied approach research*. Tehran: Asre Roshanbini. [Persian]
- Nazifi, M., Mokarami, H., Akbaritabar, A., Faraji Kujerdi, M., Tabrizi, R., Rahi, A. (2014). Reliability, Validity and Factor Structure of the Persian Translation of General Health Questionnaire (GHQ-28) in Hospitals of Kerman University of Medical Sciences. *JABS*, 3 (4), 336-342. [Persian]
- Nemeroff, C. B. (2016). Paradise lost: the neurobiological and clinical consequences of child abuse and neglect. *Neuron*, 89(5), 892-909.
- Noorbakhsh, M. (2012). Investigating the Relationship between Child Abuse and Aggression in Non-Student Youth and Adolescents in Mako County, Bachelor Thesis in Psychology, Islamic Azad University. [Persian]
- Ogai, Y., Senoo, E., Gardner, F., Haraguchi, A., Saito, T., Morita, N., & Ikeda, K. (2015). Association between experience of child abuse and severity of drug addiction measured by the Addiction Severity Index among Japanese drug-dependent patients. *International journal of environmental research and public health*, 12(3), 2781-2792.
- Onayli, S. E. L. İ. N. (2010). The relation between mother-daughter relationship and daughter's well being. *Middle East Technical University: Thesis*.
- Sayyari, A. A., Bagheri-Yazdi, S. A., Jalili, B., Khoushabi, K., Shah-Mohammadi, D., Iman-Zadeh, F., et al. (2001). Physical Child-Abuse in Tehran, Iran. *JREHAB*, 2 (3 & 4), 7-13. [Persian]
- Shakarami, M., Sadeghi, M., Ghadampour, E. (2017). Developing of an academic engagement model based on classroom socio-mental climate and emotional factors of family with mediating role of academic resilience. *Psychological Methods and Models*, 8(29), 159-182. [Persian]
- Shamaeizadeh, N., Yousefi, Z. (2018). Multiple Relations between Personality Factors and History of Child abuse with Family Communications in

- Isfahan. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 19(3), 121-113. [Persian]
- Sharifi, N., Moradian, A., Moradian Ghocheh Baglou, P., & Bagheri, N. (2017). A Study of Family Factors Related to Child Abuse among Parents of Child Abuse, District 17, Tehran. *First National Conference on Social Injuries*, Ardabil, Mohaghegh Ardabili University. [Persian]
- Shirali Nia, Kh., Imani, M., Mazloomi, S., & Shahsavari, M. (2014). Comparison of the functioning of child abuse families and families without a history of child abuse. *The First National Congress of Family Psychology A Step in Drawing the Optimal Family Model*, Iranian Scientific Association of Family Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz. [Persian]
- Soltanizadeh, M., Latifi, Z., & Afyouni Akbari, M. (2018). The Mediating Role of Personal Values in the Prediction of Sexual Abstinence Based on Mother-Daughter Relationship, Islamic Ethics, and Spiritual Intelligence among High School Girls in Isfahan. *QAIIE*, 3(2), 87-116. [Persian]
- Sousa, C., Mason, W. A., Herrenkohl, T. I., Prince, D., Herrenkohl, R. C., & Russo, M. J. (2018). Direct and indirect effects of child abuse and environmental stress: A lifecourse perspective on adversity and depressive symptoms. *American journal of orthopsychiatry*, 88(2), 180.
- Sternberg, K. J., Baradaran, L. P., Abbott, C. B., Lamb, M. E., & Guterman, E. (2006). Type of violence, age, and gender differences in the effects of family violence on children's behavior problems: A mega-analysis. *Developmental Review*, 26(1), 89-112.
- Stirling, J. (2014). The conversation: interacting with parents when child abuse is suspected. *Pediatric Clinics*, 61(5), 979-995.
- Straus, M. A. (2017). Injury and frequency of assault and the "representative sample fallacy" in measuring wife beating and child abuse. In *Physical violence in American families* (pp. 75-92). Routledge.
- Thompson, R., Lewis, T., Neilson, E. C., English, D. J., Litrownik, A. J., Margolis, B., & Dubowitz, H. (2017). Child maltreatment and risky sexual behavior: indirect effects through trauma symptoms and substance use. *Child maltreatment*, 22(1), 69-78.
- Van Berkel, S. R., Tucker, C. J., & Finkelhor, D. (2018). The combination of sibling victimization and parental child maltreatment on mental health problems and delinquency. *Child maltreatment*, 23(3), 244-253.
- Villodas, M. T., Bagner, D. M., & Thompson, R. (2018). A step beyond maternal depression and child behavior problems: the role of mother-child aggression. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 47(4), 634-641.
- Widom, C. S., Czaja, S. J., & DuMont, K. A. (2015). Intergenerational transmission of child abuse and neglect: Real or detection bias? *Science*, 347(6229), 1480-1485.
- Zeedyk, S. M., Cohen, S. R., Eisenhower, A., & Blacher, J. (2016). Perceived social competence and loneliness among young children with ASD: Child, parent and teacher reports. *Journal of autism and developmental disorders*, 46(2), 436-449.
- Zera'at Herfeh, F., Khezri Moghaddam, A. (2018). The role of family emotional climate and life satisfaction in predicting addiction. *Social Health and Addiction*, 14 (4), 55-68. [Persian]